

فصل درخشان هنر اسلام - ایران

• مریم ایزدی
دانشجوی کارشناسی ارشد
دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

همان طور که در اکثر کتب تاریخی مشاهده می کنیم، مورخان بیشتر به مسائل سیاسی و نظامی پرداخته اند و کمتر به مسائل اجتماعی و فرهنگی توجه داشته اند. در ایران همواره از روزگار باستان علم و دانش مورد تشویق شاهان و سلاطین قرار داشته و با ورود اسلام نیز این پویایی علم و دانش ادامه داشته است چنان که با روی کار آمدن سلسله های ایرانی نظیر سامانیان و دبیران و کارگزاران ایرانی توجه به این مهم بیشتر شد. با ورود ترکان به ایران، باز گرداندگان اصلی امور ایرانی و به فرهنگ آبا و اجدادی خود وفادار بودند. مغولان نیز با وجود قتل و غارت فراوان به همراه وزیران کاردان ایرانی در امر آموزش علوم و فنون مختلف هنری کوشیدند و در زمان تیموریان بود که هنر به اوج شکوفایی خود رسید؛ به طوری که هنر این دوره پایه ای شد برای دوران بعد.

عبدالرزاق سمرقندی یکی از مورخینی است که در اثر معروف خود مطلع السعدین و مجمع البحرین به بررسی هنر این دوران پرداخته و هنرهای گوناگون دربار تیموریان را بررسی کرده است. پیش از بررسی هنر این دوران بیان ویژگی های کلی تاریخ نگاری این دوره ضروری به نظر می رسد.

ویژگی های کلی تاریخ نگاری دوره تیموری

یکی از مهم ترین مشخصات فرهنگی این دوره، نگارش کتب تاریخی است. اگرچه این دوره از لحاظ تاریخ نگاری همتای دوره مغول نیست؛ ولی از لحاظ نگارش کتب تاریخی در نوع خود بی نظیر است؛ علت آن نیز علاقه ی سلاطین به اخبار نیاکان خود و هم چنین ثبت فتوحات و اعمال حکومتی خود بوده است. در این دوره، علاوه بر نگارش کتب تاریخ نگاری عمومی نظیر مجمع التواریخ سلطانی حافظ ابرو شاهد نگارش تاریخ های سلسله ای نظیر ظفرنامه نظام الدین شامی هستیم، از طرفی با نگارش تاریخ های محلی نیز روبه روییم که در ارائه ی اطلاعات جزئی تاریخی مفید و مؤثرند. از ویژگی های تاریخ نگاری این دوره، پرداختن به مسائل علمی و فنون مختلف هنری است که در اثر عبدالرزاق سمرقندی بیشتر به چشم می خورد.

عبدالرزاق سمرقندی یکی از مورخینی است که در اثر معروف خود مطلع السعدین و مجمع البحرين به بررسی هنر دوران تیموری پرداخته و هنرهای گوناگون دربار تیموریان را بررسی کرده است

فصل درخشان

زندگی عبدالرزاق سمرقندی

کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی ولد مولانا جلال الدین اسحاق در سال ۸۱۶ ه. ق در هرات متولد شد.^۱ پدرش مولانا اسحاق در اردوی شاهرخ به شرف امامت و منصب قضا منصوب و مرسوم بود و به قرائت کتب معتبره و روایت مسائل مقررہ اشتغال داشت.^۲ عبدالرزاق توسط پدرش و در سال ۸۴۱ ه. ق. به شاهرخ معرفی شد و شرحی را که بر کتاب قاضی عضالدین ایچی نوشته بود، به نام شاهرخ نمود.^۳ وی سپس از جانب شاهرخ به عنوان یک مأمور سیاسی به جانب هند رفت. شرح مسافرتش به هند همین کتاب توضیح آمده است. بعد از فوت شاهرخ، در خدمت دیگر شاهزادگان تیموری از جمله عبدالطیف، میرزا عبدالله، میرزا ابوالقاسم بابر و میرزا ابراهیم بود. در زمان سلطنت ابوسعید گورکانی به منصب شیخی خانقاه میرزا شاهرخ منصوب گشت چنانچه خود بیان داشته است در سنه ۸۷۴ ه. ق منصب شیخی به خادم الفقرا مفوض گشت.^۴ وی سرانجام در سال ۸۸۷ ه. ق وفات یافت.^۵

عبدالرزاق در کتابش حوادث را از سال ۷۰۴ تا ۸۷۳ ه. ق که از تولد ابوسعید ایلخانی تا وفات ابوسعید تیموری است، به صورت سال به سال بیان کرده که حائز اهمیت خاص است، زیرا این دوره یکصد و هفتاد ساله که از سال‌های پایانی حکومت ایلخانان شروع می‌شود، حوادث مهمی را در برمی‌گیرد. در این دوره، در هر گوشه و کنار ایران، امرای سرکش و محلی دم از استقلال می‌زنند؛ به طوری که آل جلایر در تبریز، آل چوپان در آذربایجان، آل کرت در هرات، سرداران در سبزواری و آل مظفر در فارس و یزد و اصفهان هر کدام به نوعی خود را مستقل می‌دانند. این کتاب شامل دو جلد است؛ جلد نخست آن شامل وقایع ایران از سال ۷۰۴ ه. ق تا سال ۸۰۷ ه. ق یعنی از سال تولد ابوسعید ایلخانی تا مرگ تیمور گورکانی است. در این جلد مورخ، به حکومت‌های محلی و ستیز تیمور با آنها و شرح اولاد تیمور و همچنین لشکرکشی‌های تیمور به عثمانی و چین پرداخته است. جلد دوم از سال ۸۰۷ ه. ق یعنی آغاز سلطنت شاهرخ شروع می‌شود و تا قتل سلطان ابوسعید گورکانی در سال ۸۷۳ ه. ق ادامه می‌یابد و شرحی از حوادث سال‌های ۸۷۴ و ۸۷۵ ه. ق، یعنی سال جلوس سلطان حسین بایقرا، را نیز در برمی‌گیرد. مطالب این کتاب تا سال ۸۳۰ ه. ق از زبده التواریخ حافظ ابرو، موهب‌الهیة مولانا معین الدین یزدی و ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی اقتباس شده است و از سال ۸۳۰ ه. ق به بعد تا سال ۸۷۵ ه.

ق مبتنی بر مشاهدات عینی خود مؤلف است.^۶ این که عبدالرزاق خود در دربار بوده و نظاره گر حوادث بوده بسیار ارزشمند است و بر غنای کتابش می‌افزاید بطوری که کتابش مورد استفاده نویسندگان معاصر وی چون میرخواند و خواندمیر قرار گرفته است.^۷

سبک نگارش و روش کار عبدالرزاق

عبدالرزاق بدلیل موقعیت شغلی خود از اوضاع سیاسی روزگار خویش آگاهی داشت و اثرش را تا سال ۸۳۰ ه. ق کتب معتبر گرفته بقیه را نیز خود شاهد بوده و جانب حق را رعایت کرده است. گفتنی است در نثر این دوره با توجه به این که ایران استقلال علمی و ادبی خاصی یافته بود، از تعداد کتاب‌های عربی کاسته می‌شود و به جای آن زبان فارسی به کار می‌رود.^۸ صاحب‌نظران درباره سبک نگارش عهد تیموری معتقدند که نثر فارسی به تدریج از اغراق‌های صنعتی و فنی قرون پیش فاصله گرفت و گرایش به سبک ساده و به دور از تکلفات ادبی رونق یافت؛ اما نباید فراموش کرد که واژه‌های ترکی در آثار نویسندگان این دوره مشهود است.^۹ در این دوره آثاری به سبک ساده و انشایی روان همچون ظفرنامه نظام الدین شامی و آثار حافظ ابرو نوشته شدند. آثاری نیز با نثری مصنوع و مزین به اشعاری از خود نویسنده به رشته تحریر درآمدند؛ نظیر ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی و مطلع السعدین و مجمع البحرين عبدالرزاق سمرقندی که دارای نثری مصنوع است.^{۱۰}

جایگاه هنر در تاریخ عبدالرزاق سمرقندی

دوره‌ی حکمرانی تیموریان، عهد پرورش انواع هنرها اعم از نقاشی و تزیین و تذهیب و خوشنویسی و انواع هنرهای کتاب‌سازی و هنر معماری و موسیقی به شمار می‌آید. هنرهای تصویری و تزیین از قدیم‌الایام در بین ایرانیان رواج داشته است. پس از ورود اسلام نیز هنرمندان مصور استعداد هنری خود را در آراستن و تذهیب کتب دینی و نقاشی و مصور ساختن مساجد به کار بردند. در زمان حکومت سلاطین ترک بر ایران نیز این هنرها از اهمیت فراوانی برخوردار بودند. مغولان نیز با وجود ویرانگری‌های فراوان، در اثر زندگی در ممالک متمدن و ارتباط با آنها با امور هنری و عمرانی آشنا شدند و با علاقه‌ای که داشتند خالق آثار هنری بسیار شدند. به طور نمونه، تیمور نیز با همه قساوت و بیرحمی، از آن‌جا که در محیطی



یک هنرمند جمع بوده و به همان ترتیب که خوشنویسان و مصورین زیاد بودند مذہبان نیز کمتر از آنان نبودند. چنان که آورده «مولانا معروف خطاط بغدادی که سرآمد مستعدان جهان و نادره دوران بود غیر از خط انواع فنون و اصناف کمالات حاصل داشت»^{۱۲}.

وی در جایی که از هنر نقاشی صحبت می‌کند، به بیان سبک‌های نقاشی اشاره دارد و به هنر مصوری و مینیاتور این زمان در بناها بسیار می‌پردازد و نقاشی‌های دیواری این زمان را به‌خوبی توصیف می‌کند. در مورد نقاشی‌های رصدخانه سمرقند می‌گوید: «هیأت افلاک تسعه و اشکال دوابر تسعه و درجات و دقائق و ثوانی تا عواشر و... نقوش دلپذیر و رقوم بی‌نظیر در درون خانه‌های این عمارت عالی‌بنیاد رفیع‌نهاد که نمودار قصر مقرنس سبع شداد بود»^{۱۴}. همچنین در مورد نقاشی باغ سفید و بنای کوشک آورده است: «نقاشان چاپک‌دست در هر خانه‌ای کارنامه‌ای پرداخته و بر هر غرفه‌ای منظره‌ای چون نگارخانه چین ساخته^{۱۵} که در اینجا به تأثیرپذیری نقاشی تیموری از نقاشی چین نیز اشاره کرده است. همچنین در جایی که از خطاطی بحث می‌کند، به انواع خطوط هنری از

علمی رشد و پرورش یافته بود، سمرقند را به کانون علم و هنر تبدیل کرد و معروف‌ترین هنرمندان آن دوره، از جمله استاد عبدالحی مصور را به آنجا برد»^{۱۳}.

در این دوره علاوه بر سمرقند، هرات نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت و به‌نوعی کانون و مجمع خداوندگاران دانش گردید. در زمان تیموریان و حکومت شاهرخ سلطان، آرامش سیاسی و رونق فعالیت‌های بازرگانی، سبب سرازیر شدن ثروت به این منطقه شد که در نتیجه این عوامل ارتباط بین حکومت تیموریان و ممالک دیگر نظیر چین برقرار شد. این برقراری ارتباط سبب گسترش علوم و فنون هنری از جمله هنر نگارگری و مینیاتور شد.

عبدالرزاق در جای‌جای کتابش از انواع هنرها و هنردوستی سلاطین و شاهزادگان تیموری سخن رانده و به توصیف انواع هنرها در مکان‌های مختلف پرداخته است. وی انواع سبک‌های هنری را در هر رشته هنری بیان داشته که این نشان از آگاهی و دانش فراوان وی دارد. عبدالرزاق در اثرش آورده که در این دوره هنر خوشنویسی، مصوری و تذهیب معمولاً در

عبدالرزاق در جای‌جای کتابش به توصیف انواع هنرها در مکان‌های مختلف پرداخته است. وی انواع سبک‌های هنری را در هر رشته هنری بیان داشته که نشان از آگاهی و دانش فراوان وی دارد

عبدالرزاق در اثر خود بیشتر از مورخان هم عصرش به جنبه‌ی اجتماعی و فرهنگی توجه کرده و این وجه امتیاز وی است

فصل درخشان

در چپ و راست گور که مطربان ایستاده یاتوغن و کمانچه و پیپه و نی دو نوع که در سر و پهلو نفس کنند و تنبک و موسیقار و طبل دو روی بر سر سه پایه نهاده و صنع و چهار پاره و دهل همه به اصول و نوا درآوردند.^{۳۳} بنابراین گفته‌ها، می‌توان گفت عبدالرزاق در اثر خود بیشتر از مورخان هم عصرش به جنبه‌ی اجتماعی و فرهنگی توجه کرده و این وجه امتیاز وی است. البته نمی‌توان تألیفات میرخواند و خواندمیر را نادیده گرفت.

پی‌نوشت:

۱. میرجعفری، حسین، تاریخ تیموریان و ترکمانان، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶.
۲. سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳.
۳. همان؛ ص ۴۷۱.
۴. همان.
۵. همان؛ ص ۱۳۴.
۶. خواندمیر، غیاث الدین همام الدین، تاریخ حبیب السیر فی اخبار بشر، ج ۴، تهران، خیام، ۱۳۳۳، ص ۳۳۵.
۷. بیات، عزیزالله، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۰۲.
۸. سمرقندی، پیشین، پیش گفتار.
۹. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، ج ۴، تهران، فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۱۵.
۱۰. میرجعفری، پیشین، ص ۱۸۷.
۱۱. بیات، پیشین، ص ۲۰۲.
۱۲. ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران، علمی فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳، ص ۳۱۴.
۱۳. سمرقندی، پیشین، ص ۳۷۵.
۱۴. همان؛ ص ۲۹۲.
۱۵. همان؛ ص ۱۳۶.
۱۶. همان؛ ص ۴۳۱.
۱۷. همان؛ ص ۲۱۳.
۱۸. همان؛ ص ۱۳۵.
۱۹. میرجعفری، پیشین، ص ۱۳۰.
۲۰. بلر، شیلا، بلوم، جانانان، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۹۳.
۲۱. سمرقندی، پیشین، ص ۴۵۴.
۲۲. همان؛ ص ۳۳۰.

قبیل نسخ و نستعلیق و تعلیق و... اشاره دارد و به خطوط زمان‌های گذشته، یعنی قرن دوم هجری نیز اشاره می‌کند. نیز به بیان انواع هنرهای کتابت می‌پردازد. چنان‌که آورده است «شمس‌الدین هروی بسیاری از خطوطش را به نام قبله‌الکتاب یاقوت مستعصمی نمود و خطاطان این دوره نظیر مولانا ظهیرالدین و مولانا شهاب‌الدین بی‌نظیر عصرند و این جماعت در علم و عمل خطوط سته‌اند و در باقی فنون اقسام قلم‌گذاری و رقم‌نگاری از تصویر و تذهیب و سایر شعب و جلد ساختن و باقی نقوش و صنایع و پرداختن چنان نازک و زیبا عمل می‌کرده‌اند که از زمان‌های گذشته تاکنون، مردم کمتر چنین هنرمندان و هنرهایی دیده‌اند»^{۱۶}.

عبدالرزاق در اثرش به هنر معماری و سبک‌ها ویژگی و نوآوری‌های این هنر در زمان تیموریان می‌پردازد. وی در توصیف معماری قلعه هرات آورده است:

مهندس نهاده درون و برونش
ز روی لطافت چو ایوان کسری
بنای کمالش چو ایوان کیوان
سرایای او جمله زیب است و زینت
قصور مقرنس بروجی مدور
ز راه حصانت چو سد سکندر
به زلزال دوران نگردد مبتر
زوایای او جمله زیب است و گوهر^{۱۷}

در جایی دیگر به معماری بنای باغ سفید و کوشک پرداخته و بیان کرده «چهار طاق ایوان مقرنس آن را به طاق مقوس کیوان رسانیده و کنگره قصر رفیعش از نطاق مشتری گذرانیده ایزار دیوارش از احجار یشم مفروش و تمائیل مثبت بر آن مثبت و منقوش»^{۱۸} از توصیفات وی می‌توان به ویژگی‌ها و خصوصیات معماری دوره تیموری که شامل کشیده بودن شکل گنبدها، بلند بودن ساقه گنبدها، وجود رنگ طلایی در تزئینات، وجود عنصری به نام گوشه‌سازی اشاره کرد^{۱۹}. هم‌چنین می‌توان به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری تیموری که وجود طاق‌بندی است پی برد^{۲۰}.

عبدالرزاق هم‌چنین از هنر موسیقی دوره‌ی تیموری و موسیقیدانان معروف این دوره یاد می‌کند و خواجه رضوان‌شاه موسیقی‌دان را نام می‌برد که موسیقی ساخته بود، مشتمل بر دوازده مقام و بیست و چهار شعبه و باقی اصول و فروع و سایر نعمات و نقرات. هم‌چنین از خواجه عبدالقادر مراغه‌ای صحبت می‌کند که در سی روز هر روز یک نوبت موسیقی می‌ساخت^{۲۱}. وی هم‌چنین از آلات و ابزار موسیقی چینی نام می‌برد که می‌توان گفت این آلات و ابزار در موسیقی ایران بی‌تأثیر نبوده است. چنان‌که اشاره کرده